



جمال ابدی

نیلوفر هادوی

دبیر دینی و قرآن شهرستان اصفهان

شرح

یکی از راهکارهای جذب دختران نوجوان به پوشش و حجاب، درونی ساختن باورهای دینی و ایجاد علاقه و عشق حقیقی به اجرای دستورات محکم الهی و قرار دادن آگاهانه و برنامه‌ریزی شده و از پیش تعیین شده نوجوان در وضعیت و شرایطی که پیامدی منطقی و عاطفی داشته باشد.

خاطره زیر تجربه‌ای واقعی است که آن را به‌عنوان ارمغان یک معلم- به شکل ایده‌ای که شاید برای سایرین هم قابل توجه باشد تقدیم می‌کنم.

دهه محرم بود، که به مناسبت این ایام، بعد از پایان درس و به منظور تحقیقی برای پاسخ به یک سؤال کوتاه، بر تابلو چنین نوشتیم: شگفت‌آورترین عکس‌العمل بانوی بزرگ کربلا در برابر بیدادگری و بی‌عدالتی «بن‌زید» وقتی که گفت: «دیدنی خدا با برادرت چه کرد»، چه بود؟

هفته بعد به محض ورود به کلاس در پاسخ به سؤال، جمع دانش‌آموزان با هم یک‌صدا سر دادند: «آئی ما رأیتُ الّا جمیلاً: من جز زیبایی چیزی ندیدم!»

یکی از دانش‌آموزانم- پارمیدا- در دقایق آخر کلاس به کنار میز آمد و از من راجع به این سخن بانو

چکیده

با اشاره به اهداف اصلی در بخش مقدمه و شرح ایده‌های ارائه شده، که در سطح محدود و کوچکی از محیط‌های آموزشگاهی به مرحله اجرا رسیده است. به‌عنوان راهکارهایی انجام شدنی و منتج به نتیجه در بخش پیشنهاد ذکر می‌گردد.

مقدمه

ما در مدارس، که زیرمجموعه‌ای از نهاد آموزش و پرورش محسوب می‌شوند، می‌توانیم در کنار تدریس مبانی دینی و گفت‌وگوی صرف در کلاس‌های درس؛ با اعمالی محتاطانه- هرچند کوچک اما مؤثر- مبلغ تأثیرگذار نوجوانان در جذب به دستورات و آموزه‌های دینی باشیم. بنابراین همین تفکر، آنچه را که در مدرسه با آن مواجه شده‌ام و به خلق و ایجاد راهکاری مؤثر؛ منجر شده است به عنوان برگ سبزی به همه معلمان، نوجوانان، خانواده، مدرسه و جامعه تقدیم می‌کنم.

توضیح خواست. در پاسخ گفتم: «انسان فطرتاً زیبایی را دوست دارد. اما «زیبایی حقیقی» سخت به دست می‌آید، مثل این‌جا که با خون به دست آمده است!»

بر تعجبش افزود: خون؟ لحظه‌ای مکث کرد و آمیخته با خنده گفت: «ما که خونی نیست بریزیم تا زیبایی حقیقی به دست بیاوریم!» با جدیت ولی مهربان و آرام پاسخ دادم: «چرا، زیبایی اندیشه. مگر نشنیده‌ای که بزرگان گفته‌اند: «آن کس که زیبایی اندیشه دارد، هرگز زیبایی ظاهری و خویش را در معرض دید دیگران قرار نمی‌دهد.» نشان دادن زیبایی‌های اندام و چهره، هنری لازم ندارد. نمایش تن، تلاش و هنر ویژه نمی‌خواهد، زیرا خدادادی است! این زیبایی روح است که باید برایش زحمت کشید؛ چیزی شبیه خون خود را تقدیم کردن!»

لحظاتی به چهره‌ام چشم دوخته بود اما نمی‌دانم کجا بود و در حالت سکوت رفت و نشست. ناگفته نماند پارمیدا تنها کسی بود که در میان شاگردانم از همه بیشتر در استفاده از رایانه مهارت داشت و تا حد ساخت نرم‌افزار از آن سر درمی‌آورد و متأسفانه یکی از ویژگی‌های دیگرش این بود که شاید بدترین نوع پوشش را در میان هم‌کلاسی‌های خود در مدرسه داشت! و همیشه هم به شدت از پوشش حتی از نوع معمولی و به مقدار حداقل آن نیز ابراز نفرت و بیزار می‌کرد، ولی در بحث‌های کلاسی، در این خصوص با دبیران و دانش‌آموزان بحث و مجادله‌ای نداشت.

چند هفته‌ای به پایان ترم اول باقی مانده بود و چند نفر از دانش‌آموزان کلاس هم‌نوز فعالیت فوق برنامه خاصی برای کسب نمره عملی در درس خود انتخاب نکرده بودند. به محض اینکه احساس کردم زمینه‌ای هر چند کم‌رنگ برای دریافت این‌گونه حقایق در درون پارمیدا پیدا شده است، فرصت را غنیمت شمردم و تصمیم ویژه‌ای گرفتم. مقاله^۲ کوتاهی در مورد ضرورت پوشش برای زنان با ذکر دلایل مستند، منطقی و... در دست داشتم و مدت‌ها بود که درصدم بودم از مطالبش در تحقیق شخصی خود استفاده کنم و در مقاله خود بگنجانم (در ادامه، آن را ملاحظه خواهید کرد) ولی فرصت حروف چینی را به دست نمی‌آوردم. از طرفی مطالعه آن مطالب را باب طبع سرکش پارمیدا می‌دانستم ولیکن نمی‌خواستیم علناً از وی درخواست کنم که به آن نگاهی بیندازد (شاید این کار من شکل موعظه‌ای مستقیم به خود می‌گرفت و این همان چیزی بود که او از آن بیزار بود!) تا اینکه از اتفاق، کامپیوتر من‌زلمان احتیاج به تعمیر و اصلاح در بیرون از خانه پیدا کرد. در همان هفته به آن چند دانش‌آموز یادآوری کردم که فعالیت مختصر و کوچکی مثل خلاصه یا نکته‌برداری از کتابی که آن را در تابلستان مطالعه کرده‌اند - و ترجیحاً مرتبط به بحث‌های کلاسی می‌شد - به‌عنوان فعالیت فوق برنامه انتخاب کنند و برای

دریافت امتیاز ارائه دهند.

طبق معمول آن روز هم - مثل خیلی برنامه‌های شبیه به این - برای پیشنهاد این‌گونه کارها در کلاس با بی‌میلی شدید و غرولندهای زیاد پارمیدا مواجه شدم! آخر ساعت صدایش زدم و با احتیاط به او گفتم که: برای انجام دادن تحقیق شخصی خودم ضرورتاً یک مطلب تایپی دارم که احتیاج به کمک او دارم. کامپیوترم خراب شده است و مانده‌ام چه کنم؟

در کمال تعجب دیدم با میل و رغبت برای یاری رساندن به من در این زمینه اعلام آمادگی کرد و من که با استقبال وافر از سوی او روبه‌رو شده بودم به او گفتم: «من این لطف و زحمت تو را به‌صورت نمره کار عملی درسی می‌پذیرم. شرطش این است که مثل بقیه دانش‌آموزان که پس از ارائه کار عملی‌شان، بخشی از تحقیق و یافته‌هایشان را برای کل کلاس بیان می‌کنند تو نیز بخشی از مطالبی را که تایپ می‌کنی - حداقل چند جمله‌ای - را در کلاس، به جمع منتقل کنی.»

پارمیدا به سرعت موافقت کرد. فوق‌العاده راضی و خوشحال به نظر می‌رسید و من هم مطلب را، که در پاکت در بسته‌ای گذاشته بودم، از کیف درآوردم و به او تحویل دادم. سریع در پاکت را باز کرد و مرا با نمایش دو حالت متضاد در چهره‌اش مواجه کرد! یکی بی‌رغبتی نسبت به عنوان مطالب: «پوشش، فرمانی فطری» و دیگر خوشحالی آمیخته با شیطننت نسبت به اینکه کاری است آماده و در دسر تحقیق کردن هم ندارد!

نگاهی جست‌وجوگر در چهره‌ام کرد و من هم با لبخندی معمولی شانه‌هایم را بالا انداختم و در حالی که پاکت را از دستانش آرام بیرون می‌کشیدم، گفتم: «میل خودت است. گفتم که این تایپ فقط به مشکل من مربوط می‌شود. می‌توانم الان آن را به داوطلب دیگری بدهم انجام دهد و نمره بگیرد.» که با تهدیدی شیرین گفتم: «خانم، مگر من می‌گذارم! سیلی نقد به از حلوی نسبه!» این را گفت و بسته را دوباره از پشت انگشتان قلاب شده‌ام آزاد کرد و با حرکتی شیرین و با مزه با پاکت مطالب دررفت!...

هفته بعد «سی‌دی» خود را به همراه ورق‌های درهم شده و بی‌نظمی که از داخل پاکت بیرون زده بودند تحویل من داد. در حالی که متفکر و اندیشمند بود، به آرامی به من گفت: «خانم، دمتون گرم! چیزهایی که تایپ کردم حرف‌های جدیدی بودند که تا حالا به گوشم نرسیده بود!»

و من چون می‌دانستم تازه این شروع یک راه است، به همین عکس‌العمل کوچک هم راضی بودم. قرار نبود ره صد ساله را یک شبه طی کند! او از آن دسته بندگان خوب خداوند بود که باید قدم به قدم و به تدریج پیش می‌رفت، شاید «آغازی همراه با یک حرکت بسیار کند و



در نظام جهان هستی، آفرینش مرد و زن در کنار یکدیگر، به‌منظور رسیدن به ارزش‌های والای انسانیت و تحصیل همه صفات پسندیده و شایسته بوده است



**روان‌شناسان
نیز از وجود
عامل حیا در
درون انسان نام
برده‌اند، که به دو
صورت بازدارنده
و هدایت‌کننده،
ایفای نقش
می‌کند.
بنابراین حیا را
تعدیل‌کننده
غرائز و اجرای
قوانین اجتماعی
و اخلاقی
می‌دانند**

بطیء» بود و ما امیدوار به نتیجه‌ای متقن و پایدار.

اینک مقاله: چند استدلال ساده برای یک عمل منطقی و عقلانی: «پوشش»

الف) آزادی و پوشش از نظر عقل

در نظام جهان هستی، آفرینش مرد و زن در کنار یکدیگر، به‌منظور رسیدن به ارزش‌های والای انسانیت و تحصیل همه صفات پسندیده و شایسته بوده است و انسان آگاه و متعهد کسی است که با بهره‌گیری از گوهر گران‌بهای عقل و تأمین نیازهای زندگی مادی، در جهت رساندن خویش و جامعه به آن مقصد عالی و هدف نهایی تلاش مستمر داشته باشد و زنان به دلیل برخورداری از لطافت و ظرافت روحی، امکانات بهتری جهت رسیدن به آن هدف متعالی را دارند.

در این راستا مهم‌ترین سرمایه آن‌ها و مؤثرترین وسیله برای رسیدن به قله رفیع نیک‌بختی و خوشبختی، گوهر گران‌مایه و مروارید ارزشمند عفاف است. دختران و زنان شایسته با آراستن خویش به پوشش اسلامی، بزرگ‌ترین معلمان اخلاقی و پاکی و فضیلت در جامعه هستند.

آری آن‌ان که بر مسند والای کرامت و مقام والای انسانیت نشسته‌اند، گوهر وجود خود را ارزشمندتر از آن می‌دانند که با تنزل خود در حد یک کالا اجازه دهند هر چشمی از آن بهره برد. بعضی بر این گمان هستند که پوشش بانوان، آزادی آن‌ها را در تحصیل و اشتغال محدود می‌سازد و به‌ناچار نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، اما حقیقت امر به دو دلیل خلاف این تصور است:

اگر آزادی را به مصداق ظاهری و سطحی آن یعنی آزادی اعضا و جوارح انسان بدانیم، به طور یقین پوشش در محدود کردن آن مؤثر است اما در نگاه دقیق عقل، آزادی واقعی و حقیقی زمانی برای انسان میسر است که فکر و روح او آزادانه مشغول به تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی باشد و نیز بر خواسته‌های نفس و شهوات مسلط شود و این بر خلاف انسان گرفتار شهوت و نفس است که نمی‌تواند مدعی این باشد که من مشغول به تحصیل علم و کار و هرگونه فعالیت اجتماعی هستم.

پس در واقع رعایت پوشش بانوان وسیله‌ای است برای ایفای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی آنان. چه بسا زنان پاکدامن سخنوری که تاریخ، خصوصیات و متون سخنرانی‌های آنان را ضبط کرده است. (کتاب بلاغات‌النساء ابن طیفور، متوفای ۳۰۳هـ.ق)

گرفتاری به شهوت بزرگ‌ترین مانع کسب کاسب، تحصیل علم، اختراع مخترع و حتی پیروزی لشکری در جنگ است. مارشال پتن، سردار نظامی فرانسه، بزرگ‌ترین علت شکست فرانسه را از سپاه آلمان، فرو رفتن در گرداب‌های شهوت و ابتلا به تن‌پروری و عیاشی می‌داند. (کتاب گناهان کبیره، شهید دستغیب: ۲۱۷)

به طور یقین، کسی که به گمانش، خود را از فرمان پروردگار

آزاد کرده، باید بداند که اسیر فرمانروایان متعدد و نفس خویش گشته است و این تنها یکتاپرست است که بالاترین مرتبه آزادی را در زندگی دارد، زیرا که فرمان را فقط از یک جا می‌گیرد و به فرمان دیگران و دستور نفس، اگر بر خلاف دستور خداوند متعال باشد، عمل نمی‌کند. به همین دو دلیل عقلی می‌گوییم، بانویی که دارای پوشش کامل است، هم از جهت فرمان نگرستن از دیگران و هم از جهت آزادی فکر، هنگام اشتغال به کارهای فردی و اجتماعی، آزادترین فکر را دارد.

ب) ندای فطرت

پوشش ندایی درونی است که همزاد با آفرینش در نهاد آدمی متبلور گشته و همواره حیا و عفاف به عنوان برترین کمال و بی‌حیایی و برهنگی پایین‌ترین درجه حیوانی شمرده شده است تا آن‌جا که گاهی انسان‌ها برای پوشش و حیا به برگ درختان پناه برده‌اند.

فرید وجدی در دایرةالمعارف خویش (ج ۳۳۶/۳) نمونه‌هایی از وجود حجاب در بین ملل جهان قبل از اسلام در یونان، جزیره امرجوس، زن‌های فینقی، زنان شهر ثیب، زنان سبیری، ساکنان آسیای صغیر، زنان شهر میدی و فارس و عرب و حتی کیفیت حجاب آن‌ها را ذکر کرده است و آن‌که زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند. همچنین ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن (ج ۷۲/۱) و راسل در کتاب زناشویی و اخلاق (ص ۱۳۴) و مهدی قولی هدایت در کتاب خاطرات و خطرات (ص ۴۰۵) مواردی از پوشش‌های مختلف را در بین ملل مختلف جهان ذکر کرده‌اند.

ج) نظر روان‌شناسان

روان‌شناسان نیز از وجود عامل حیا در درون انسان نام برده‌اند، که به دو صورت بازدارنده و هدایت‌کننده، ایفای نقش می‌کند. بنابراین حیا را تعدیل‌کننده غرائز و اجرای قوانین اجتماعی و اخلاقی می‌دانند.

د) روش خردمندان

۱) شیوه خردمندان همیشه بر این بوده است که هر چیزی نزد آن‌ها گران‌بهارتر باشد، در حفظ و نگه‌داری آن جدیت بیشتری به عمل می‌آورند. همچنان‌که در طبیعت نیز همیشه موجودات لطیف و آسیب‌پذیر در حصار قرار دارند، همچون گوهرهای گران‌بها در دل کوه‌ها و در قعر دریاها، و طبیعی است اگر چیزی به راحتی در اختیار باشد در معرض طمع و تعرض خواهد بود. انسان‌ها نیز با ساختن صندوق‌ها، جلد‌های گوناگون، انواع کارت‌ها و کیف‌ها و روکش ماشین‌ها و... بر این سیره عقلا ماهر صحت می‌گذارند.

۲) از طرف دیگر شیوه عقلا در بیشتر جوامع بر این است که آزادی فردی را تا جایی که حقوق دیگران حفظ نشود تأمین می‌کنند اما هیچ‌گاه مدافع آزادی فردی در راندگی، سرقت، اعتیاد، ظلم و... نیستند و فلسفه وضع قوانین و داشتن قاضی

و زندان نیز برای محدود کردن آزادی‌هایی است که ضربه به حقوق دیگران می‌زند.

جای بسی تعجب است، بعضی کشورهایی که در ضررهای ظاهری، مثل سرقت و جنایت و آلوده شدن هوا، قوانین خاصی وضع می‌کنند، هیچ‌گاه به فکر آلوده شدن افکار جوانان که از ناحیه پوشش نداشتن زنان به وجود می‌آید و موجب سست شدن پایه‌های خانواده و متلاشی شدن کانون گرم آن‌ها می‌گردد، نیستند. برعکس، همه دیدیم چندی قبل دخترانی که با پوشش اسلامی در مدارس انگلستان و فرانسه حاضر شده بودند توسط مدیران اخراج شدند و از ابتدایی‌ترین آزادی‌های هر انسان یعنی انتخاب نوع پوششان، محروم ماندند.

ه) پوشش کامل مختص بانوان

اگر این وظیفه تنها برای زنان لازم است از این روست که زن با جذابیت خاصی دارد، مظهر جمال و زیبایی است و مرد مظهر شیفتگی، پس بر زن است که خود را در معرض نمایش قرار ندهد تا آبرو و شخصیت خود را به‌عنوان گوهری گران‌بها حفظ کند.

و) تلاش استعمارگران

توطئه کشف حجاب توسط استعمار انگلیس و پروتکل یهودیان طراحی شد (کتاب دایرةالمعارف بریتانیکا ۸۴/۲) و بهائیت در ایران مأمور زمینه‌سازی آن گردید. (کتاب تاریخ التورایخ ۲۱۹/۳) و مزدوران انگلیسی: امان‌الله خان در افغانستان، ۱۳۰۶ ه.ش، آتانورک در ترکیه، ۱۳۱۳ ه.ش و رضاخان در ایران ۱۳۱۴ ه.ش کشف حجاب را به زور و عملی ساختند (کتاب تاریخ بیست ساله ۲۵۲/۶ و ۲۵۸). استعمار فرانسه در الجزایر حداکثر کوشش خود را بر مسئله چادر متمرکز کرده بود. (کتاب سال پنجم انقلاب الجزایر ص ۴۶-۳۶) همفر، جاسوس انگلیسی، می‌نویسد: پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی با زنان غیرمسلمان سوق دهند و کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن‌ها تقلید کنند. (کتاب وهابیت ایده استعمار ص ۱۶۳)

ز) آرامش روانی

اگر زنان ما با پوشش مناسب ظاهر شوند و تحریکی صورت نگیرد، همسرانشان و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود. الکسیس کارل در کتاب «انسان موجودی ناشناخته» صفحه ۱۳۷ و ۱۵۶ و نیز دلیل کارنگی در کتاب «آیین زندگی» صفحه ۴، هیجان را عامل بیماری‌های معده و روده و از جمله زخم معده می‌داند. توماس اکمیس می‌گوید: لذت‌های جسمانی در اول کار بر ما لیخنند می‌زند ولی عاقبت نیش زهرآلود خود را در روح ما فرو می‌برد و هلاکمان می‌کند (در جست‌وجوی خوشبختی: ۳۶) سیمور هالک، مدیر قسمت روانی دانشگاه ویسکونسین، می‌گوید: «فقط در این

دانشگاه سالانه بیش از ۸۰۰ دانشجو به کلینیک بیماری‌های روانی مراجعه می‌کنند که نه تنها من و همکارانم، بلکه اکثر روان‌شناسان دانشگاه‌های آمریکا از وضع روحی نسل جدید آمریکا دچار وحشت شده‌ایم و...»

نتیجه‌گیری و چند پیشنهاد

الحمدلله این ماجرا خوب به نتیجه رسید و بنده اعتقاد دارم گاه برخی حرف‌های ساده، بی‌تکلف و راستین، که از صمیم دل برآید و بر دل نشیند، از پرداختن به حواشی و اطاله کاری‌های بی‌ثمر، کارسازتر و پیش‌برنده‌تر است.

امید می‌رود چنین ایده‌های در حد خود موفق، قابلیت فراگیر شدن در سیستم‌های آموزشی - اجتماعی و رسانه‌ای داشته باشد. بر این اساس پیشنهادهای ساده، اما تأثیرگذار، اجرایی و فرهنگی تقدیم می‌گردد.

۱. ترغیب نوجوانان در سطح ملی، استانی، ... به شرکت در مسابقات کتاب‌خوانی، تحقیقات علمی و... که ظاهراً غیر مرتبط با موضوع حجاب است اما در لفافه و در مسیر اجرای آن تحقیقات و در طی مراحل حل به موضوع مورد نظر - پوشش - نیز دسترسی‌هایی داشته باشند، ضمن اینکه تأکیدی هم بر روی موضوع هدف نداشته باشیم (توجه شود). البته برای اجرای این مدل پیشنهاد، لازم است از متخصصان علوم و نیز از روان‌شناسان، جامعه‌شناس و نیز ترتیب دادن تحقیقاتی از آن دست کمک بگیریم. (مانند نمونه‌ای که در قالب خاطره «جمال ابدی» ذکر شد).

۲. تحقیق و پژوهشی هدفدار درباره پیشرفت‌های علمی و اجتماعی زنان مسلمان جهان: نمونه دیگری که خود آن را تجربه کردم و نتیجه‌بخش بود اینکه از گروه دوستانه‌ای از دانش‌آموزان خود خواستم که شرح کوچکی از پیشرفت‌های علمی و اجتماعی زنان مسلمان جهان را از اینترنت دریافت و در کلاس مطرح کنند. آنان نیز در مسیر این تحقیق به شناسایی چند زن محبوب و دانشمند و موفق نیز پرداخته بودند. در کلاس بحثی چالشی را به‌وجود آوردم که «اگر بدون پوشش بودند بهتر و بیشتر پیشرفت نمی‌کردند؟» که گروه مورد نظر به ناچار برای دفاع از کار تحقیقی خود شروع به استدلال کردند و در واقع خودبه‌خود به معضلات و شبهات فکری خویش در زمینه پوشش و حجاب زن خاتمه دادند و به پاسخ‌هایی صحیح دست یافتند. ۳.

۳. تحقیق و تفحص بر روی محتوای سخنرانی‌های بسیار پرشور و کوبنده حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - و دختر گرامی ایشان حضرت زینب - سلام‌الله علیها: نمونه دیگر از ایجاد این توفیقات اجباری، پیشنهاد کنفرانس گروهی به دانش‌آموزان بود. از محتوای سخنرانی‌های بسیار پرشور و کوبنده حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - و دختر گرامی ایشان «بانوی کربلا» که معروف بود در خردسالی، سخنرانی عالمانه و ادیبانه مادر (خطبه فدکیه در مسجد پیامبر (ص)) را به خاطر می‌سپرد و برای مردم در محافل نقل می‌فرمود. از این راه عملاً می‌توان از تأثیر عمیق و مثبت بر تفکر منفی و ستیزه‌گر نوجوان در خصوص منافات نداشتن مسئله پوشش با فعالیت‌های اجتماعی در «الگوهای دینی معصومین (علیهم‌السلام)» آگاه شد.



اگر زنان ما با پوشش مناسب ظاهر شوند و تحریکی صورت نگیرد، همسرانشان و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود

پی‌نوشت‌ها

۱. منسوب به افلاطون
۲. جهت اطلاع خواننده، آن مقاله ضمیمه شده است.
۳. ناگفته نماند این گروه دوستانه و هم‌کلاس، از داشتن حجاب بسیار شاکی و بدان معترض بودند و مدعی بودند که اکثر زنان عالم آزاد و بی‌حجاب‌اند